

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: علی کاظمی

۱۰ سپتمبر ۲۰۱۱

ایران در هفته ای که گذشت

جامعه‌ای که هر لحظه آماده طغیان و شورش توده‌نیست

در کشوری که طبقه حاکم موجودیت خود را با تکیه بر سرنیزه و قهر عریان حفظ می‌کند، جامعه هر لحظه آماده و مستعد حوادث سیاسی و بروز شورش‌ها و اعتراضات توده‌نیست. در اینجا هر اتفاقی می‌تواند به یک مسأله سیاسی تبدیل شود و شورش و طغیان توده‌نی را در پی داشته باشد.

مردم ارومیه از سال‌ها پیش نگرانی خود را از خطری که دریاچه ارومیه را به خشک شدن تهدید می‌کند، به دفعات ابراز کرده بودند. اما جمهوری اسلامی که کمترین اهمیتی حتا برای مطالبات فوری اقتصادی و سیاسی توده مردم قائل نیست، تا چه رسد به مطالبات زیست محیطی آن‌ها، هیچ توجهی به این نگرانی مردم نکرد. خطر خشک شدن دریاچه، تا مرحله‌ای رسید که نمایندگان شهری آذربایجان در مجلس ارتجاع اسلامی، طرحی با قید دو فوریت برای مقابله با خشک شدن دریاچه ارائه دادند که دو فوریت آن نیز رد شد. این خود به عاملی تبدیل شد که در هفته پیش توده‌های مردم ارومیه به خیابان‌ها بریزند و علیه سیاست‌های ارتجاعی جمهوری اسلامی اعتراض کنند.

واحد‌های ضد شورش پولیس و مزدوران دستگاه امنیتی و اطلاعاتی رژیم، به مقابله با مردم برخاستند و با وحشی‌گری ذاتی جمهوری اسلامی، مردم را سرکوب کردند. تعدادی بازداشت و گروهی نیز که مضروب و مصدوم شدند، سر و کارشان به بیمارستان‌ها کشید. اما این وحشی‌گری رژیم، مردم را در ادامه مبارزه مصمم‌تر ساخت. روز شنبه این هفته، اعتراضات، چنان گسترده بود که حتا مغازه‌ها بسته شد و تظاهراتی بسیار گسترده‌تر از هفته گذشته برپا گردید. نیروهای سرکوب که به مقابله با مردم گسیل شده بودند، خشم و اعتراض مردم را افزون‌تر ساخت. تعدادی از مراکز دولتی و بانک‌ها مورد حمله قرار گرفتند و ماشین‌ها و موتورسیکلت‌های مزدوران سرکوبگر رژیم به آتش کشیده شدند. در جریان این درگیری‌ها، ده‌ها تن دستگیر و تعدادی در اثر تیراندازی واحد‌های ضد شورش و اطلاعاتی مجروح و مصدوم شدند. حتا خبرهایی از جان باختن دو تن از مردم ارومیه انتشار یافت که گزارشاتی از صحت و سقم این خبر در دست نیست.

اعتراضات مردم در این هفته، تنها در ارومیه وسعت نداشت، بلکه در تعداد دیگری از شهرهای آذربایجان، به ویژه در تبریز، گروه‌هایی از مردم در خیابان‌ها گرد آمدند و در همبستگی با مردم ارومیه و محکوم کردن اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم، تظاهرات کردند. این اعتراضات نیز به مداخله و وحشی‌گری نیروهای سرکوب انجامید که ده‌ها نفر نیز دستگیر شدند.

در پی این اعتراضات، مقامات حکومتی برای فریب مردم و آرام کردن آن‌ها، ادعا کردند که مبلغ کلانی را برای اجرای طرح انتقال آب ارس به دریاچه ارومیه اختصاص دادند. در واقع آن‌گونه که متخصصین برآورد می‌کنند، هزینه اجرایی این طرح بالغ بر ۱۰ هزار میلیارد ریال می‌شود، اما استاندار آذربایجان شرقی که ادعا می‌کند طرح انتقال آب ارس به ارومیه ۳ ساله اجراء می‌شود، می‌گوید: "سال گذشته ۷۰۰ میلیارد ریال و امسال ۸۴۰ میلیارد ریال برای این طرح اختصاص یافت که در صورت پرداخت به موقع منابع مالی مورد نیاز این طرح، ظرف سه سال تکمیل می‌شود."

معاون وزیر نیرو، اما می‌گوید: "نمی‌توان در کوتاه مدت علاج‌بخشی سریعی برای دریاچه ارومیه در سطح وسیع داشت و به صورت یک طرح بلند مدت عملیاتی خواهد شد."

اختصاص بودجه برای اجرای این طرح از سال‌ها پیش امکان‌پذیر بود. مردم ایران به خوبی می‌دانند که در طول دهه ۸۰ به ویژه، نیمه دوم آن، درآمد دولت از نفت ارقام نجومی به خود گرفت و حتی در برخی سال‌ها به ۱۲۰ تا ۱۴۰ میلیارد دلار رسید. اما این درآمد هنگفت صرف هزینه‌های نظامی، تقویت ارگان‌های سرکوب جمهوری اسلامی، و پر کردن جیب سرمایه‌داران و مقامات جمهوری اسلامی شد. هیچ یک از نیازها و مطالبات مردم برآورده نشد. تحت یک چنین شرایطی، بودجه لازم هم به اجرای طرح انتقال آب ارس به دریاچه ارومیه اختصاص نیافت، تا جایی که هم اکنون به مسأله ای جدی نه فقط برای کشاورزان، بلکه عموم مردم منطقه تبدیل شده است.

البته این را هم باید افزود که حتی یک تحقیق جدی هم صورت نگرفته است که آیا این طرح بهترین راه است یا راه‌های دیگر و بهتر وجود دارد. جمهوری اسلامی که هیچ راه حلی برای مسایل و معضلات مردم و بحران‌های متعددی که جامعه ایران را فرا گرفته است ندارد، همواره کوشیده است با تشدید اختناق، دیکتاتوری و قهر عریان، موجودیت خود را حفظ کند. بنابراین، جامعه، همواره آبستن تحولات سیاسی و بروز طغیان‌ها و اعتراضات سیاسی تودم‌نیست که می‌تواند بر سر هر مسأله ای بروز نماید. سرکوب‌های رژیم، تضادهای موجود را تشدید و خشم مردم را افزون‌تر خواهد ساخت. اقدامات سرکوب‌گرانه رژیم علیه توده‌های مردم شهرهای مختلف آذربایجان در این هفته، رژیم را نجات نخواهد داد. این مبارزات که مدام در مناطق مختلف ایران رخ می‌دهند، در آینده‌ای نه چندان دور در یک سیل خروشان به هم می‌پیوندند و بنیان جمهوری اسلامی را از ایران برمی‌کنند.

فساد دستگاه دولتی و جدال قوه قضائیه و اجرایی

فساد مالی دستگاه دولتی، ذاتی هر نظم طبقاتیست. اما در هر کشوری که دیکتاتوری عریان طبقه حاکم اعمال می‌شود و توده مردم از آزادی‌های سیاسی محروم‌اند، این فساد مالی بسیار گسترده و فراگیر است. جمهوری اسلامی نمونه برجسته ای از دولت‌هاییست که فساد سر تا پای آن‌ها را فرا گرفته است. نه فقط تمام ارکان این دولت غرق در فساد است و رشوه‌گیری، دزدی و تمام اشکال سوء استفاده مالی، امری رایج و متداول در میان سران، مقامات و کارگزاران دستگاه دولتیست، بلکه افراد و باندهائی هم که خود نقش مستقیمی در این دستگاه ندارند، به اتکای مناسبات و زد و بند با مقامات دولتی همه ساله میلیاردها دلار از ثروت کشور را به شیوه‌های مختلف سرقت

می‌کنند. ابعاد سوء استفاده‌های مالی هم اکنون در ایران، به مرحله‌ای رسیده است که به یک نزاع میان دستگاه اجرایی و قضائی جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

در روزهای اخیر خبر از اختلاس ۳ میلیارد دلاری در بانک صادرات انتشار یافت که بر طبق گزارش خبرگزاری‌های دولتی، فردی که با مقامات ارشد دولتی مرتبط بوده است، با زد و بندهای دولتی و همکاری رؤسای بانک‌ها، این مبلغ کلان را اختلاس کرده است. همچنین گفته شده است که این فرد مالک چندین کارخانه است و از طریق همین زد و بندهای دولتی توانسته است در جریان خصوصی‌سازی‌ها، مالک کارخانه فولادسازی خوزستان نیز بشود.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور از درگیر بودن هفت، هشت شعبه در این اختلاس کلان سخن به میان آورد و افزود: "در پرونده بزرگ فساد بانکی دو، سه هزار میلیاردی اخیر" هنوز لایه‌های پنهان آن مشخص نشده است. وی همچنین به اختلاس میلیاردی در دوره استانداری جدید و قدیم تهران و برخی استان‌های دیگر اشاره کرد. وی در پاسخ به سؤال خبرنگاران که چرا این فساد اقتصادی و مالی همچنان ادامه دارد، افزود: بحث فساد مالی مقوله‌ای است که وجود دارد. ساختارها کامل و دقیق نیست و امکان تخلف همچنان وجود دارد.

در این میان قوه مقننه و اجرایی رژیم هر یک دیگری را مسبب این فساد گسترده معرفی می‌کند. قوه اجرایی رژیم دستگاه قضائی را متهم کرده است که پرونده‌های فساد اقتصادی و مالی را بسته و متهمین را تبرئه کرده است. در عین حال با دستگاه اجرایی برای مقابله با فساد همکاری نمی‌کند. در پاسخ به این اتهامات، رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در این هفته، سران دستگاه اجرایی، از جمله رحیمی معاون احمدی‌نژاد را که گویا خود وی پرونده فساد مالی دارد، تهدید کرد و گفت: "این ادعاها دیگر تکرار نشود. در برخی مجالس از ناحیه برخی مسئولان ادعا شده که قوه قضائیه در برخورد با مفاسد اقتصادی همکاری نمی‌کند. ما برای این ارزیابی‌ها و این اظهار نظرها و ادعاها بسیار متأسفیم." وی دستگاه اجرایی را به مانع‌تراشی در انجام وظیفه قوه قضائیه متهم کرد و افزود: "دستگاه‌های اجرایی گاهی مانع‌تراشی می‌کنند و گاهی هم صاحبان قدرت مانع‌تراشی می‌کنند. علی‌آی حال، این اظهار نظرهای غیر مسئولانه نباید تکرار شود. اما اگر واقعاً بناست این حرف‌ها تکرار شود، آن وقت روشن خواهیم کرد پشت سر این مطالب چه کسانی بوده‌اند و چرا قوه قضائیه همکاری نکرده است."

مشکل جمهوری اسلامی در این نیست که این یا آن دستگاه با دیگری همکاری نکرده، یا به گفته رئیس سازمان بازرسی رژیم اشکال گسترش فساد مالی از آن روست که "ساختارها کامل و دقیق نیست." بلکه مشکل در ذات جمهوری اسلامی و موجودیت آن است. این جمهوری اسلامی است که فساد به بار می‌آورد. چرا که دولتی ضد مردمی و استبدادپرست. هیچ‌گونه نظارت و کنترلی بر آن وجود ندارد. حتا مردم از این آزادی برخوردار نیستند که بتوانند از طریق مطبوعات، این فساد را افشاء کنند. در یک چنین رژیمی مقامات و دست اندرکاران دستگاه اجرایی، از هر گونه کنترلی مصون و برکنارند و از این رو هر کاری که دل‌شان می‌خواهد انجام می‌دهند. رشوه‌های کلان می‌گیرند تا طرح‌های رنگارنگ دولتی را به افراد معینی واگذار کنند. درآمد کلان نفت در اختیار آن‌هاست و به عناوین مختلف، هر یک بخشی از آن را کِش می‌روند. در این دستگاه، پارتی‌بازی امری رایج و متداول است. سیاست خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی یکی دیگر از منابع بزرگ فساد مالی است. آنچه که در سطح بالای دستگاه اجرایی جریان دارد، در سطوح پایین‌تر نیز وجود دارد تا جایی که هر کارمند و مأموری که با راه انداختن کارهای روزمره مردم سر و کار دارد، او هم برای انجام این کار تقاضای رشوه می‌کند.

دستگاه قضائی هم بر همین منوال. قضات نیز عموماً با گرفتن رشوه، پرونده‌ها را به نفع طرفی که رشوه می‌پردازد، خاتمه می‌دهند. اگر به حسب اتفاق فردی مدارکی از سوء استفاده‌ها و دزدی‌های سران و مقامات رژیم انتشار دهد، قوه قضائیه پرونده را با دستگیری و محکوم کردن کسی که پرونده‌های فساد مالی مقامات دولتی را بر ملا کرده است، می‌بندد.

در جمهوری اسلامی تمام مقامات در فساد غوطه‌ورند و پرونده هر یک از آن‌ها در دست دیگریست. اگر فرد، جناح یا ارگانی از رژیم بخواهد پرونده‌های فساد مالی طرف دیگر را بر ملا کند، با اقدام متقابل روبرو می‌شود. از این رو، در نزاع‌هایی که بین آن‌ها بروز می‌کند، تلاش می‌کنند که کار به افشاءگری متقابل نکشد. بلکه گاه فقط یکدیگر را متهم می‌کنند. وقتی که رئیس قوه قضائیه به سران دستگاه اجرائی می‌گوید: این اظهار نظرها دیگر نباید تکرار شود والا روشن خواهیم کرد پشت سر این مطالب چه کسانی بوده‌اند، در واقع تهدید می‌کند که پرونده‌های فساد مالی معاون رئیس جمهوری و دیگر افراد وابسته به گروه احمدی‌نژاد را افشاء خواهد کرد. آن‌ها نیز ناگزیرند سکوت کنند و دیگر نگویند دستگاه قضائی پرونده متجاوز از ۱۳۰ تن از مفسدین مالی و اقتصادی را بی سر و صدا بست و آن‌ها را تبرئه کرد.

خلاصه کلام، حرف رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی این است که نباید کار را به افشاءگری متقابل کشاند. چرا که در آن صورت پای همه مقامات و ارگان‌های رژیم بر سر فساد مالی به میان کشیده خواهد شد. تا روزی که مردم ایران سرنوشت خود را در دست نگیرند، یک دمکراسی شورائی در ایران مستقر نشده باشد و مردم از آزادی‌های سیاسی محروم باشند، فساد دستگاه دولتی باقی خواهد ماند.

مجلس خبرگان فعال شد

دهمین اجلاس مجلس خبرگان جمهوری اسلامی در این هفته برگزار شد. از بیانیه پایانی این اجلاس چنین برمی‌آید که انتقادات گروه‌های رقیب در مورد بی‌بو و خاصیت بودن آن مؤثر واقع شد و بنابراین تصمیم گرفته است که از این پس در نقش سخنگوی دفتر خامنه‌ای و صدور اوامر ایشان نقشی فعال بر عهده گیرد.

لذا بندهای این بیانیه یکایک با اوامر و رهنمودهای خامنه‌ای آغاز می‌گردد. بند ۱ اعلام می‌دارد که رهنمودهای مقام معظم رهبری "مد ظله العالی" کلیدی و سرنوشت‌سازند و عموم ملت موظف به اجرای آن‌ها.

بند ۲ اعلام می‌دارد که به فرموده مقام معظم رهبری "مد ظله العالی" گفتمان عدالت باید رایج باشد.

بند ۳ اشعار می‌دارد که به فرموده، همه آحاد مردم از وحدت پاسداری کنند.

بند ۴ هشدار می‌دهد که دشمنان اسلام و معاندان نظام و استکبار جهانی با تحریم و تهدید به شبیخون فرهنگی در برابر ارزش‌های اسلامی و جمهوری اسلامی صف‌آرایی کرده‌اند، لذا جهاد فرهنگی برای همراهی با مرجعیت و روحانیت و ترویج مباحث ولایت فقیه، راه مقابله با مکر و فریب شیطان است.

سپس نوبت به فتنه‌گران قدیم و جدید می‌رسد که "اگر با سیل خروشان ملت همراه نشوند، غرق می‌گردند."

زیر سؤال بردن حجاب و عفاف محکوم می‌گردد و به مسؤولان آموزش عالی امر می‌شود به تفکیک جنسیتی اقدام گردد.

و بالاخره به پاس خدمات نیروهای سرکوب در امر مقدس سرکوب و کشتار مردم "از نیروهای امنیتی و مسلح، به خصوص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران" صمیمانه سپاسگزاری می‌شود.

مجلس خبرگان جمهوری اسلامی انصافاً در این اجلاس حرکتی رادیکال داشت، به این معنا که گروه‌های موسوم به اصلاح‌طلب رژیم را از سر در گمی نجات داد و تکلیف خود را یکسره کرد. به صدای بلند اعلام نمود که از این پس آشکارا در نقش سخنگوی خامنه‌ای عمل خواهد کرد و بنابراین دیگر کسی مجاز نیست، اراجیفی از نمونه نقش خبرگان در کنترل اعمال و رفتار ولی فقیه داشته باشد.

اما از این اقدام رادیکال مجلس خبرگان که بگذریم، مفاد بیانیه یاهوسرائی یک مشت مرتجع است که توده‌های مردم ایران با مبارزات خود پاسخ آن‌ها را پیشاپیش داده‌اند. مردم ایران به صدای بلند اعلام کرده‌اند که هیچ‌گونه وحدتی میان توده انقلابی مردم و ارتجاع وجود نداشته و نخواهد داشت. این مردم به صدای بلند در خیابان‌ها شعار مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر جمهوری اسلامی را سر داده و خواهان سرنگونی این رژیم به عنوان مظهر تمام فجایع، بی‌عدالتی‌ها، استبداد و مردم‌ستیزی شده‌اند. توده‌های مردم ایران با زیر پا نهادن تمام ارزش‌های مقدس ارتجاع حاکم در تمام حرکات و زندگی روزمره خود و نشان دادن دشمنی خود با ولایت فقیه و دستگاه روحانیت، عزم خود را در جاروب کردن قواعد و مقررات ارتجاعی اسلامی آشکار کرده‌اند. تمام قلدری و سرکوب رژیم بر سر مسأله حجاب به شکست انجامیده و زنان و مردان دانشجو با مبارزات خود، تلاش جدید ارتجاع را برای تفکیک جنسیتی نیز با شکست روبرو خواهند ساخت. مجلس خبرگان بیهوده می‌پندارد که نیروهای امنیتی مسلح رژیم، همواره می‌توانند مردم را کشتار و سرکوب کنند و رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را نجات دهند. آن‌ها قطعاً روزی را نه چندان دور خواهند دید که کارگران و زحمتکشان ایران به قیام روی آورند و نیروهای امنیتی و مسلح جمهوری اسلامی را در هم بکوبند و بساط کلیت جمهوری اسلامی را جاروب کنند.

Reply

Forward

Reply by chat to invisible